



ساده ترین جواب!

شرلوك هولمز كارآگاه معروف و معاونش واتسون رفته بودند صحرا نوردی و شب هم چادری زدند و زیر آن خوابیدند.

شرلوك هولمز كارآگاه معروف و معاونش واتسون رفته بودند صحرا نوردی و شب هم چادری زدند و زیر آن خوابیدند. نیمه های شب هولمز بیدار شد و آسمان را نگرید. بعد واتسون را بیدار کرد و گفت: نگاهی به آن بالا بینداز و به من بگو چه می بینی؟

واتسون گفت: میلیونها ستاره می بینم .

هولمز گفت: چه نتیجه میگیری؟

واتسون گفت: از لحاظ روحانی نتیجه می گیرم که خداوند بزرگ است و ما چقدر در این دنیا حقیریم.

از لحاظ ستاره شناسی نتیجه می گیریم که ماه در برج مشتری است، پس باید اوایل تابستان باشد.

از لحاظ فیزیکی، نتیجه میگیریم که مریخ در موازات قطب است، پس ساعت باید حدود سه نیمه شب باشد.

شرلوك هولمز قدری فکر کرد و گفت: واتسون تو احمقی بیش نیستی. نتیجه اول و مهمی که باید بگیری اینست که چادر ما را دزدیده اند!!!